

## چشم انداز دموکراسی و انتخابات آزاد در ایران



علی اصغر سلیمی  
تیر ماه 1386 / ژوئیه 2007  
a.salimi@web.de

### فهرست مطالب

گفتار یکم: اهداف جامعه و جنبش دموکراتیک و انتخابات آزاد  
گفتار دوم: جوانب فرایند گذار دموکراتیک  
گفتار سوم: چیستی گذار دموکراتیک و انتخابات آزاد  
گفتار چهارم: چرایی و ضرورت انتخابات آزاد  
گفتار پنجم: چگونگی فرارویی به گذار دموکراتیک و انتخابات آزاد

عوامل تعیین کننده گذار دموکراتیک و فرارویی به انتخابات آزاد  
گفتار ششم: عوامل ساختاری دراز مدت  
گفتار ششم - الف: جوانب مثبت ساختاری در فرآیند گذار دموکراتیک  
گفتار ششم - ب: عوامل منفی و بازدارنده ساختاری در فرایندهای گذار دموکراتیک  
گفتار ششم - ج: عوامل ساختاری دوگانه و پارادوکسیال  
گفتار هفتم: عوامل تعیین کننده در گذار دموکراتیک در بالا  
گفتار هشتم: عوامل تعیین کننده در گذار دموکراتیک در پایین - مردم  
گفتار نهم: عوامل تعیین کننده در گذار دموکراتیک در پایین - سازمانها و نهادهای صنفی - مدنی - فرهنگی  
گفتار دهم: عوامل تعیین کننده در گذار دموکراتیک در پایین - احزاب و سازمانهای سیاسی  
گفتار یازدهم: عوامل تعیین کننده در گذار دموکراتیک در پایین - شخصیتها ملی و دموکرات و رهبران فکری

### گفتار یکم: اهداف جامعه و جنبش دموکراتیک و انتخابات آزاد

در بیانیه پایانی دومین نشست برای هم اندیشی در راه دموکراسی و استقلال ایران (اسفند 85) نظرات شرکت کنندگان درباره اوضاع ایران، در خصوص: بحران مشروعیت رژیم جمهوری اسلامی، عدم کارآمدی سیاستهای اقتصادی، اجتماعی، قضائی کشور و سیاستهای نابخردانه و مخرب تسلیحاتی رژیم فقها و نقض حقوق بشر و حقوق شهروندی تشریح شدند. بیانیه در نقد سیاستهای جناحهای مختلف رژیم جمهوری اسلامی و ضرورت پایان دادن به توهم و امیدواری کاذب به اصلاح طلبان ناپیگیر و ضرورت تحولات بنیادین اهداف زیرین را مورد تاکید قرار داد.

الف - حاکمیت ملی: رژیم جمهوری اسلامی در طی 28 سال اخیر علیرغم ادعاهایش مبنی بر حفظ استقلال میهن پایههای اقتصادی، اجتماعی و حقوقی استقلال کشورمان را تخریب کرده و در سالهای اخیر با سیاستهای ماجراجویانه تسلیحاتی و جنگ افزوزانه اش فرایندهای تلاشی دولت - ملت را در ایران فراهم می نماید. مردم ایران با اتحاد ملی و آگاهی و شعور اجتماعی و تاریخی شان باید در مقابل این سیاستها ایستاده و در راه بقا و استقلال کشورمان در این سالهای بحرانی هوشیارانه بکوشند.

ب - آزادی و دموکراسی و حاکمیت ملت از طریق آرای آزاد ملت ایران: شناسائی و اجرای حقوق شهروندی و بیانیه حقوق بشر، ضرورت و فوریت تدوین قانون اساسی بر اساس آخرین دستاوردهای حقوقی، علمی، اخلاقی و زیست محیطی بشر با توجه به ضرورتها و نیازهای تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و ژئوپلیتیکی ایران.

پ - عدالت و رفاه اجتماعی: که از طریق شناخت درست امکانات در جامعه ما و تعامل بخردانه با اقتصاد جهانی و اعتقاد به دموکراسی اجتماعی و تعدیل تضادها و شکافهای بین قطبهای فقر و ثروت مقدور

می‌گردد. همچنین باید با کاربرد سیاستهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زمینه‌های رشد و توسعه اجتماعی موزون و درونزا در جامعه را فراهم گرداند

ت - جمهوری ایران: تجربه‌های تاریخی صدساله اخیر بیانگر آن است که راه برون رفت از بحران کنونی و تامین اهداف فوق از طریق ایجاد و برپایی دولت حقوق مدار و جمهوری ایران ممکن می‌گردد. جمهوری که با احترام به همه ادیان و مذاهب در ایران بر اصل جدائی و استقلال دین و دولت استوار خواهد شد

بحث درباره راهبردها و چگونگی گذار به دموکراسی، راهکارها و اشکال و روندهای دموکراتیزه کردن جامعه بتدریج با نزدیک شدن انتخابات دوره هشتم مجلس و دوره دهم ریاست جمهوری در یکی دو سال آینده گسترش می‌یابد. با نگاهی به گسترش امواج اعتراضات و امواج جدید جنبشهای صنفی، اجتماعی و سیاسی و با تشدید روزافزون بحران اقتصادی - اجتماعی بنظر می‌رسد، مردم نه تنها مشروعیت رژیم را مدتهاست زیر سؤال برده اند، بلکه ناکارآمدیهای رژیم را در همه عرصه‌ها و عدم همبستگی در رژیم و جناحهای گوناگون آنرا بعینه تجربه می‌کنند. بحران‌های سه جانبه مشروعیت، کارآمدی و همبستگی درون رژیم هنوز به بحران استیلا و سلطه منجر نشده است و جمهوری اسلامی با تدابیری از قبیل نظامی کردن هر چه بیشتر و متمرکز کردن امور اقتصادی - اجتماعی در دست سپاه پاسداران، کوشش در حفظ نظم و کشورداری و در خوانشی دیگر به ایجاد جو ارباب و سرکوب همه جانبه مردم برخاسته است. با اینهمه امواج جنبش مردمی لرزهای کاری خود را به پایه‌های رژیم فقها وارد کرده است

با توجه به تجارب دوره‌های پیشین انتخاباتی، با گسترش فضای سیاسی و تبلیغات انتخاباتی در شرایط بحرانی کنونی، نظر به اعمال و سیاستهای نابخردانه رئیس جمهور و مهارناپذیری و تکرویهایش و آشوبهای جدیدی که در نقاط گوناگون کشور پی در پی می‌کند، جنبشهای خودانگیخته مردمی در بین اقشار و اصناف گوناگون بستر مناسبتری خواهند یافت

جنبش نقد و روشننگری ایران در چنین شرایطی نمی‌تواند و نباید محدود به انتقاد و تشریح سیاستها و اعمال رژیم جمهوری اسلامی باشد. ارائه راه حلها و تنظیم مدلها و تدوین پروژههای راهبردی و راهکارهای گوناگون و کوششهای کارشناسانه اجزاء و عناصر اصلی و مهم گفتمان و جنبش دموکراسی خواهی بشمار می‌آیند. این تلاشها ضمن اینکه موجب گسترش روندهای آگاهی‌های فردی و اجتماعی و ژرفش و روشمندی جنبشهای خودانگیخته خواهند شد، بنوبه خود نیز به امر ائتلافها در بین نیروهای سیاسی و همکاریهای نزدیک و هماهنگی در بین نهادهای صنفی و سیاسی و اجتماعی کمک خواهند کرد

بحث انتخابات آزاد بعنوان یکی از محوری‌ترین و گرهی‌ترین امر راهبردی و تاکتیکی در سالهای آینده و در دوره آتی انتخابات مجلس و ریاست جمهوری، با اختصاص دادن قوای فکری و توجهات آگاهان و کارشناسان و مردم ایران به خود، بستر مناسبی است که مباحث مربوط به حقوق بشر و حقوق شهروندی را یکجا در خود متبلور و متجلی می‌سازد. از همین روست که می‌تواند در صورتی که بدرستی هدایت شود و گسترش یابد، رژیم را به چالش واقعی بکشانند. نگاه کاوشگرانه در زمینه انتخابات آزاد در ایران شامل جنبه‌های گوناگون است. چپستی، چرائی، چگونگی، عوامل تعیین کننده و خطرات و نگرانیها از جمله گفتارهای این نوشتار است

جهت پرداختن به جنبه‌های گوناگون و مختلف انتخابات در ایران و کوشش جنبش روشننگری در راه فرارویاندن روندهای انتخاباتی به انتخابات آزاد و رقابتی و سالم ابتدا به سئوالات زیرین نگاهی گذرا خواهیم کرد

اول - آیا با وجود ولایت فقیه و نظارت استصوابی شعار شرکت در انتخابات در ایران به لحاظ سیاسی اجتماعی و راهبردی موثر است؟ اصولا هیچ انتخاباتی می‌تواند عنصری از آزادی و رقابت و سلامت را در خود داشته باشد؟

دوم - در صورتیکه حتی برخی از کاندیداهای نمایندگی مجلس تا حدی مترقی و مستقل باشند و بفرض اینکه بدلیلی از غربال نظارت شورای نگهبان بگذرند، با چنین قانون اساسی، می‌توانند چه اقدامی در مجلس آینده انجام دهند و چگونه می‌توانند به فرایند دموکراسی در کشورمان کمک کنند؟

سوم - چگونه می‌توان شعار انتخابات آزاد را در بین افکار عمومی مردم در همه سطوح جا انداخت و موجب ترغیب و انگیزش و مشارکت مردم در این امر شد؟

چهارم - تحریمهای بخشی از مردم در دوره‌های انتخاباتی پیشین که نشانگر اعتراضات بحق مردم به رژیم بوده و می‌باشد پس از تبلیغ شعار انتخابات آزاد موجب مشروعیت بخشی به رژیم و بدین ترتیب مورد سوء استفاده همین جناحهای گوناگون رژیم واقع نخواهند شد؟

پنجم - آیا تنظیم شروطی در زمینه دموکراتیزه کردن انتخابات مقدور و میسر است، بگونه‌ای که بتواند از سوئی بدرستی و بدقت مرزهای استقلال فکری نیروهای منتقد و جنبش روشنگری را تدوین و تبیین نماید و از سوی دیگر با توجه به اوضاع بغرنج جامعه و حد سرکوب و فشار و جوسازی و دستکاریها و حيله‌های انتخاباتی رژیم، در بین مردم کاربرد و رواج یابد؟

ششم - تا چه مرحله زمانی باید قبل از برگزاری دوره‌های آینده انتخابات شعار انتخابات آزاد را طرح کرد و از کی و چه وقت باید این شعار را تبدیل به شعار "شرکت نمی‌کنیم" نمود؟

هفتم - چه نتایجی و دستاوردهایی و چه تجاربی در این تلاش اجتماعی و ملی عاید ملت خواهد شد و چه عقب نشینی‌هایی رژیم در نتیجه گسترش آگاهی‌های فردی و اجتماعی بدنبال توجه مردم به خواسته‌های منطقه‌ای و شهری و استانی و کشوری کاندیداهای احتمالی دوره‌های مجلس و ریاست جمهوری خواهند کرد؟

هشتم - آیا ارزش آموزشها و تجربه اندوزیهای مردم معادل بهای گزاف سوء استفاده‌های رژیم جهت تثبیت و تحکیم خود و مشروعیت یابی آن می‌باشد؟

نهم - شعار محوری انتخابات آزاد از طریق چه وسایلی و با چه اقداماتی می‌تواند موجب همدلی و همزبانی نیروهای ملی - دموکراتیک گردد؟ آیا بجای شکلگیری ائتلافات در جنبش دموکراتیک تضادها، تنشها و اختلافات در بین نیروها شدت و گسترش خواهد یافت؟

دهم - در صورت وقوع خطرات طغیانهای گسترده اجتماعی و خطر حمله‌های احتمالی نظامی از خارج، بهتر نیست از هم اکنون مردم به آلترناتیوهای دموکراتیک دیگری هم بیاندیشند و انتخابات آزاد بعنوان محور و جوهر گذار دموکراتیک و راه اصلی اعتلا و ارتقای جنبش دموکراتیک از هم اکنون تمایل و گرایش غالب مردم را داشته باشد؟

یازدهم - در مورد انتخابات ریاست جمهوری آیا احزاب اپوزیسیون توانایی و بصیرت آن را دارند که از سوی خود ورای رژیم و نظارت آن، حول یک یا چند چهره سرشناس ملی بتوافق برسند و از این طریق ضمن تبلیغ و ترویج برنامه‌های این چهره‌های ملی در فضای انتخابات با توجه به آمادگی نسبی بالای جامعه، روندها و فرآیندهای گسترش آگاهی را تسهیل و تسریع کنند؟

برسشهای فوق مشتی از خروار و شاخص و نمونه‌ای از بغرنجیها و پیچیدگیهای روندهای آتی را مجسم می‌کنند. تلاش جهت گزینش و تشخیص راههای موثر و امکانهای روشنند و هدفمند برای تدارک و تکوین خرد جمعی کاربند و عبور از وضعیت بغرنج کنونی، از طریق بررسی و انطباق و کاربرد تجارب ملتهای دیگر و تجارب صدساله میهنمان به ثمر می‌نشینند و همچنین از طریق سنجش دقیق راه حلها و توازن نیروهای اجتماعی و سیاسی و برآورد و پیشرفت روندها و برآمدهای اجتماعی و سیاسی می‌توانیم پاسخها را روشنتر و شفافتر و در گذر زمان تکمیل کنیم. تکمیل و گسترش مدل از سوی دیگر، مستلزم شناخت عناصر پایه‌ای و عوامل تعیین کننده‌ای است که مسئله انتخابات آزاد را حدود و ثغور و هویت می‌بخشند.

ما ضمن شناخت و بررسی جوانب گوناگون انتخابات و روند فراروئی آن به انتخابات آزاد، مدل و طرح پیشنهادی خود را از طریق بررسی عوامل تعیین کننده پی می‌گیریم و به جوانبی از قبیل زمینه‌های ذهنی و اجتماعی و یا چپستی و چرائی و ضرورت و چگونگی گذار دموکراتیک خواهیم پرداخت.

## گفتار دوم: جوانب فرایند گذار دموکراتیک

برای بررسی جهات و جوانب مدل گذار دموکراتیک فراروئی به انتخابات آزاد که در سالهای آینده همچنان کانون مباحث داغ و همپرسیها و رایزنیهای چند جانبه واقع خواهد گشت، باید ابتدا یادآوری شود که عواملی از قبیل میزان رشد و تکامل ساختار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی میهنمان و به تبع آن پدیده دولت - ملت، رژیم سیاسی یا حکومت، مردم در اقبال و گروهبندیهای گوناگونشان، سازمانهای مدنی، صنفی و غیره، احزاب و سازمانهای سیاسی، موقعیت و نفوذ رهبران ملی در جامعه، تاثیرات عوامل بیرونی یعنی دولتهای دیگر و سازمانهای بین المللی همواره در مرکز توجه می‌باشند و نقش قاطع و تعیین کننده‌ای در تدوین و تکوین مدلها و راههای گذار دموکراتیک دارند.

تحقیق درباره موج سوم دموکراسی در دهه‌های اخیر مبین آن است که اغلب در پایان عمر رژیمهای توتالیتر و دیکتاتوری و یا در جریان اضمحلال آن رژیمها و در شروع فرآیند دموکراسی امر انتخابات آزاد محور اساسی و موتور تحولات بنیادین جوامع مزبور بوده است. با بررسی تطبیقی و سنجش و شناخت گذارهای دموکراتیک در دهه‌های اخیر می‌توان برخی نکات عام و یا تجربی گذارهای دموکراتیک را بدین ترتیب دسته بندی کرد.

اول - منبع و نیروی محرکه حرکت‌های گذار دموکراتیک ممکن است از پایین (مردم)، بالا (دولت و حکومت) و بیرون (دولتهای دیگر) باشند. در شکل‌های منعطفتر و دینامیک تر می‌تواند ترکیبهای گوناگونی از این سه عامل فوق را نیز مشاهده کرد.

دوم - اشکال و شیوه‌ها و راههای آغاز گذار می‌توانند از طریق مسالمت آمیز: مذاکره، توافق، اصلاحات و یا بندرت غیر مسالمت آمیز: کودتاها و انقلابات صورت گیرند.

سوم - گذار دموکراتیک از پایین معمولا شکل انقلابهای سیاسی را بخود می‌گیرد و پروسه دموکراتیزه کردن و نوسازی و توسعه اقتصادی - اجتماعی در این نمونه‌ها با مشکلاتی عدیده روبرو می‌شوند.

چهارم - در گذار دموکراتیک از بالا خطر موجهای بازگشت از گذار دموکراتیک و تسلط مجدد حکومت‌های توتالیتر و دیکتاتوری پروسه گذار را تهدید می‌کند.

پنجم - بر مبنای تجارب کشورهای دیگر در دهه‌های اخیر سه شکل عمده تغییر اجتماعی بقرار زیر مشاهده و تدوین شده اند.

الف: استحاله و تغییر شکل تدریجی از طریق اصلاحات در درون رژیم، نمونه گورباچف (TRANSFORMATION) در شوروی

ب: فروپاشی حکومتها بر اثر مقاومت هیئتهای حاکمه و زمامداران و در نتیجه رهبری افراطی و تدریجانه مخالفان و اپوزیسیون، نمونه انقلاب ایران (REPLACEMENT) انقلابها توسط

ج: پروسه جایجائی در نتیجه اعمال مشترک و متقابل و مصالحه و توافقها و فرآیندهای پیچیده‌ای بین مخالفان رژیمهای غیر دموکراتیک، نمونه لهستان یارزولسکی و آفریقای (TRANSPACEMENT) حکومتها و جنوبی

ششم عوامل تعیین کننده و شرایط گذارهای دموکراتیک از لحاظ نظری به دو دسته تقسیم می‌شوند

الف: نظریه‌های ساختاری و کلان و نسبتا دراز مدت که زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع و شاخصهای توسعه اقتصادی و گسترش شهرنشینی، توسعه آموزش و ارتباطات را بعنوان شرایط تعیین کننده تلقی می‌کنند

ب: نظریه‌های کنشگرانه که کوتاه و یا میان مدت می‌باشند. برطبق این الگو کارگزاران اجتماعی و سیاسی یعنی طبقات و اقشار و نخبگان سیاسی اجرا و پیشبرد روندهای دموکراسی را رقم می‌زنند. نظریه‌های کنشگرانه خود به دو دسته جامعه - محور و دولت - محور تقسیم می‌شوند. رابطه نظریه‌های کنشگرانه با سه شیوه گذار یعنی استحاله، فروپاشی و جایجائی درخور توجه و مطالعه تطبیقی است

هفتم - عده‌ای از طرفداران نظریه جامعه - محور به نقش طبقه متوسط در جوامعی چون برزیل، آرژانتین، اسپانیا، تایوان، کره جنوبی، فیلیپین و غیره اهمیتی بسیار قائلند و معتقدند که نیروهای سیاسی برخاسته از طبقه متوسط، نقش تعیین کننده در تکانه‌های اولیه و گسترش و ژرفش حرکات دموکراتیک کشورهايشان برعهده داشته اند. اما بطور کلی مدافعان نظریه جامعه - محور چهار عامل یعنی الف: گفتمان دموکراسی و گسترش افکار عمومی، ب: رهبری جنبش، ج: سازماندهی و د: نارضایتی عموم مردم را مورد تاکید قرار می‌دهند.

هشتم - در گذارهای دموکراتیک مدافعان نظریه‌های کنشگرانه دولت - محور چهار پایه اصلی قدرت دولتی یعنی الف: تسلط و اجبار، ب: ایدئولوژی مشروعیت بخش، ج: تامین خدمات و کارکردهای عمومی یعنی کارآمدی و د: تضمین منافع طبقات مسلط یا نزدیک به قدرت دولتی را مورد تاکید قرار می‌دهند. بدین ترتیب طبق نظریه‌های کنشگرانه ترکیب این هشت عامل یعنی چهار عامل جامعه - محور و چهار عامل دولت - محور در جنبشهای دموکراتیک و گذار به دموکراسی می‌توانند منجر به تغییر رژیم‌ها و حکومتها گردند.

نهم - دموکراتیزه شدن هر کشور امری منحصر بفرد و ویژه و یگانه است و در نتیجه ترکیب گوناگون علتها و عوامل مختلف بوقوع می‌پیوندد

دهم - گفتمان سیاسی دموکراسی یا "ایدئولوژی مقاومت و مخالفت" در دهه‌های اخیر جوامع مختلف (شامل موارد موضوعه مهم و یا شعارهای زیرین بوده است. (هانتینگتون، موج سوم دموکراسی - هواداری از انتخابات آزاد، علنی و عادلانه - آزادیهای مدنی و دموکراتیک - دموکراسی و حقوق بشر - استقلال و ضدیت با استعمار - مقابله با نقش ارتش در سیاست و نظامی گری حکومت - آزادیهای مذهبی - سیاسی و مدنی، مقابله با کمونیسم و توتالیتریزم در کشورهای بلوک شرق - نفی سانسور و آزادی مطبوعات - تمرکز زدائی - توسعه اقتصادی و رفاه اجتماعی

یازدهم - انتخابات آزاد اصل و جوهر دموکراسی است و پایه‌ای و محوری ترین جزء گفتمان سیاسی و دموکراتیک را در خود متجلی دارد. هم هدف است و هم راه گذار را به مردم و نخبگان و سازمانها و نهادها می‌نمایاند و می‌تواند به عنوان یک گردونه جنبش آزادیخواهانه و دموکراتیک موجب شکل گیری ائتلافهای مهم در بین اپوزیسیون و انگیزش و بسیج مردمی جهت رهائی و آزادی ملتها گردد